

مراتب صلۀ رحم (۱)

حضرت زهرا سلام الله علیها درباره صلۀ رحم می‌فرمایند: قَرَضَ اللَّهُ... صَلَّةَ الْأَرْحَامِ مَنَّمَاءً لِلْعَدَدِ^۱

ترجمه: خداوند صلۀ ارحام را برای فزونی افراد مقرر داشت.

رَحْم، جایی است که انسان در آنجا تکوین می‌یابد و مهیای ورود به دنیا می‌شود. انسان‌هایی که از رحم مشترک هستند، حقوق و احکامی نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند؛ از جمله این حقوق این است که اتصالی که از راه رحم، میان آنها ایجاد شده است را قطع نکنند. طبیعت به دستور خداوند به واسطه رحم، میان انسان‌ها رابطه‌ای تحت عنوان خویشاوندی ایجاد کرده است؛ چیزی را که طبیعت خداوندی در سرشت بشر نهاده نباید مهمل گذاشت؛ وگرنه انسان با مشکلات عدیده مواجه خواهد شد.

انسان طوری آفریده شده که نیاز به ایجاد ارتباط با دیگران دارد. عدم ارتباط انسانها با یکدیگر موجب خمودی و افسردگی آنها می‌شود. این حقیقت تلخ را امروزه در جهان به اصطلاح مدرن غرب مشاهده می‌کنیم. کشورهای غربی با این که از جهت سطح رفاه، بسیار مرفه تر از بقیه کشورهای جهان هستند، اما از جهت آمار افسردگی و مصرف داروهای ضد افسردگی و آمار خودکشی، آماری بسیار وحشتناک نسبت به بقیه کشورهای جهان دارند. یکی از مهمترین دلایل این آمارها، فردگرایی مفرطی است که دنیای غرب را فرا گرفته است. این بحران به قدری عمیق شده که در انگلستان به عنوان بنیانگذار تمدن نوین غرب، وزارتتی به نام «وزارت تنهایی» به وجود آمده است. انسانها اگر با یکدیگر رابطه صحیح و اصولی نداشته باشند چنین خواهد شد. تشکیل خانواده نیز در غرب به یک بحران فراگیر تبدیل شده است. خانه‌ها در بسیاری از نقاط برای افراد به طور انفرادی طراحی می‌شود و کم کم خانه‌هایی که خانواده را در خود جای دهند جای خود را به اتاق‌هایی می‌دهند که تک افرادی را در خود جای دهند.

^۱ کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۳ ص ۵۶۸ ح ۴۹۴۰

در میان افرادی که انسان نیازمند رابطه با آنهاست، خویشاوندان در جایگاه ویژه ای قرار دارند؛ زیرا همان طور که گفته شد خویشاوندان از مبدأی واحد به نام رحم متولد شده اند و پای به دنیا نهاده اند و این اشتراک طبیعی، موجب شده از جهت حقوقی نیز حق و حقوقی را برای آنها ایجاد کند. رعایت این حق و حقوق، چون مطابق با قانون طبیعت است موجب ایجاد سرزندگی و طروات و نشاط برای انسان می‌شود.

صله رحم موجب ایجاد جمعیت می‌شود؛ جمعیتی که از جهت طبیعی قرابت دارند. به همین دلیل حضرت زهرا سلام الله علیها در روایت مذکور فرموده اند: «منمأه للعدد» صله رحم موجب فزونی عدد افراد می‌شود. وقتی چنین اتفاقی می‌افتد، افراد نشاط می‌گیرند، اعتماد به نفس پیدا می‌کنند و می‌دانند که یار و یاورانی دارند که در مشکلات، یار و یاور آنها هستند. این نشاط و امید به انسان گرمی می‌بخشد و گرمی موجب ایجاد ایمنی در انسان می‌شود و در مقابل آفات جسمی، انسان را بیمه می‌کند و این، موجب افزایش طول عمر انسان می‌شود. به همین دلیل است که امام باقر ع صله رحم را موجب تأخیر در اجل و موجب طول عمر انسان معرفی فرمودند: «صِلَةُ الْأَرْحَامِ ... تُنْسِيءُ فِي الْأَجْلِ»^۲

امروزه یکی از گمشده‌های جوامع بشری، امید به زندگی است. امید به زندگی در جوامع قدیم بسیار بیش از جوامع مدرن بوده است. رسیدن عمر به صد سال و بالاتر، در جوامع قدیم، بسیار ساده و طبیعی بوده است، اما امروزه کسی که ۹۰ سال را بگذراند، کمی تعجب برانگیز خواهد بود و صد سال به بالا اعجاب‌انگیز خواهد بود.

طول عمر زیاد در جوامع گذشته دلایل متعدد داشته است. یکی از عوامل طول عمر این بوده که اعضای خانواده ها در کنار یکدیگر می‌زیسته‌اند. پدر بزرگ و مادر بزرگ، محور خانواده بوده اند و فرزندان هر کدام با خانواده خود، حول محور آنها بوده اند. آلوین تافلر در کتاب مهم «موج سوم» نام این نوع خانواده را «خانواده گسترده» می‌گذارد. جالب این که ساختار خانه ها نیز متناسب با این سبک زندگی بوده است؛ خانه هایی با اتاق‌های متعدد، دور تا دور یکدیگر و حیاطی در وسط خانه و حوضی در وسط حیات. جمعیت زیاد این نوع خانواده باعث ایجاد نشاط اعضا و اعتماد به نفس آنها می‌شد. در چنین خانواده هایی فرد در تنهایی، غرق در مشکلات خود به سر نمی‌برد. به محض این که فردی به کنج خلوت می‌رفت و غمگین می‌شد، جلب توجه می‌کرد و بقیه متوجه می‌شدند.

تافلر نوع دوم خانواده ها را که پس از انقلاب صنعتی به وجود آمد، خانواده هسته ای می‌نامد. در این نوع خانواده، والدین با تعداد کمی فرزند حضور دارند و پدر بزرگ و مادر بزرگ، یا در جایی دیگر زندگی می‌کنند و یا در خانه سالمندان به سر می‌برند و نهایتاً هفته ای یکبار یکدیگر را ملاقات می‌کنند. در چنین خانواده ها و جوامعی، امید به زندگی پایین می‌آید و آمده است.

امروزه در جهان مدرن، نهادهای اجتماعی همچون خانه سالمندان و مهد کودک و بیمه و خیریه ها و ... جایگزین حمایت‌های خویشاوندان از یکدیگر شده است. اینها ممکن است خلأهای ظاهری انسانها را پر کنند اما هیچگاه نمی‌توانند خلأهای روحی و روانی و عاطفی انسانها را پر کنند. انسان، ماشین یا آدم آهنی نیست که فقط رسیدگی‌های ظاهری بخواهد، بلکه موجودی است که نیازمند روابط صمیمی است که با آن بتواند خلأهای روحی خود را تسکین دهد و آرامش بخشد و بهترین کسانی که می‌توانند اینها را پوشش دهند، خویشاوندان انسان هستند که از یک رحم هستند.